

رویکردهای تجدید نظر طلبانه و گسترش نفوذ در عرصه جهانی تصویر دشمن در چارچوب تحولات اجتماعی - سیاسی پایان جدل غرب محور روابط بین المللی

پس منظر بازی های فریبنده اطلاعاتی
اقداماتی بمنظور تثبیت واقعیت ها
نوع برداشت های متقابل
احیای حقیقت

تجدید نظر طلبی، در مجموع، "بازنگرش گری" ایده ها، اصول و نظریه های مختلفی را باز نمایی می کند که بر بازنگری در بسا از مکتب های فکری مبتنی شده باشد. منتقدان آن برین باورند کاین امر مستلزم تجدید نظر قابل توجهی در نظریه ها و مقدمات اساسی نظریه های سده ۲۰ بوده و معمولن بر قراری اتحاد با طبقه پورژا را هم در بر می گیرد. نویسنده های دانشگاهی از واژه رویزیونیزم عمدتن بمنظور توصیف نویسندگانی اروپای شرقی استفاده نمودند کاز حکومت تک حزبی انتقاد کرده و در دفاع از آزادی مطبوعات و هنر، دمو کراسی درون حزبی و گاهی بین حزبی، اتحادیه های کارگری مستقل، الغای امتیازات بوروکراتیک و تبعیت پولیس از قوه قضائیه استدلال می آوردند. این اصطلاح معمولن بمنظور توصیف دیگران بکار می رود. استفاده از آن بمثابه توصیفی از خود بندرت اتفاق افتاده است. بگونه گسترده تر، افرادی که خود رامثابه مبارزان علیه اپورتونیزم می پندارند، اغلب خویش را بگونه تمام عیاری، رویزیونیست معرفی می کنند.

نبشته حاضر از اینجا باید آغاز نمود که مدتی قبل، وسایل اطلاعات جمعی این مسأله را همگانی نمودند که ترامپ از افغانستان خواست تا پایگاه هوایی بگرام را بامریکایی ها باز گرداند. در بیانیه یادشده، آمده است که اگر بگرام بکسانی کآنها اعمار مجدد نموده اند مسترد نگردد، اتفاقات بدی رخ خواهد داد. پایگاه هوایی بگرام در شمال کشور کشور موقعیت دارد، پایگاه متذکره توسط اتحاد شوروی در دهه ۱۹۵۰ اعمار گردید. در امتداد سال های ۲۰۰۱-۲۰۲۱ ترسایی، بمثابه بزرگترین پایگاه نظامیان ایالات متحده در سرزمین کشور ما پنداشته می شد. قابل یاددهانی می باشد که در دوره ریاست جمهوری جوبایدن، در چارچوب اعلام کاهش نظامیان ایالات متحده، خروج کامل نظامیان آن کشور از اراضی متعلق بکشور عزیز ما در پایان سال ۲۰۲۱ آغاز گردید. بر بنیاد اظهارات ترامپ، این پایگاه در ۴۰ کیلومتری شمال کابل واقع گردیده و بویژه از نقطه نظر استراتژیک برای ایالات متحده از اهمیت بسزا یی برخوردار می باشد. طبق گزارش "وال ستریت ژورنال"، واشنگتن بررسی هایی بمنظور بازگرداندن تعداد محدودی از نظامیان امریکایی موجود در پایگاه متذکره را آغاز نموده است. هیأت امریکایی درین مذاکرات متذکر گردید که گفت و شنودها درباره مسأله یادشده که در مراحل نخستین و ابتدایی قرارداد، توسط آدام بوهرلر، فرستاده ویژه ترامپ در امور گروگان ها رهبری می گردد. انتظار برده می شود که بحث و گفتگوها، بویژه در مورد شرایط و چارچوکات حضور احتمالی نظامی در آینده نزدیک همچنان ادامه یابد. رئیس جمهور نامیره قبیلن متذکر شده و یادآور گردیده بود که ممکن "طالب" ها به نظامیان امریکایی اجازه بازگشت به پایگاه یادشده را بدهند، زیرا بموارد ارانه شده از جانب ما نیز نیاز دارند. با وجود اینهمه، مقامات وزارت امور خارجه "طالب" ها، اصل حضور مجدد

نظامیان امریکایی در افغانستان را مردود شمرده و یاددهانی بعمل آوردند که کشورهای افغانستان و ایالات متحده می توانند باهم وارد تعاملاتی شده و مناسبات اقتصادی و سیاسی خویش را بر بنیاد احترام متقابل و منافع مشترک بنامیند. همچنان یاددهانی بعمل آمد که افغان ها با اصل حضور مجدد نظامیان ایالات متحده موافق نمی باشند، چه، احتمال اینچنینی در مذاکرات دوحه نیز از بیخ و بن رد گردید. مقامات وزارت دفاع "طالب" ها نیز متذکر گردیده و یاددهانی بعمل آوردند که اصل حضور و موجودیت نظامیان خارجی در افغانستان "برای امارت اسلامی غیر قابل قبول می باشد" و همچنان تذکر بعمل آمد که کابل با ایالات متحده و با هیچ کشور دیگری، در مورد پایگاه هوایی بگرام هیچگونه معامله ای انجام نخواهد داد.

بخاطر ما باشد که میان ایالات متحده و "طالب" ها در شرایط حاضر وضعیت کنونی هیچگونه مناسبات و روابط دیپلوما تیک رسمی وجود ندارد، اما هر دو جانب، قبلن مذاکرات و گفت و شنودهایی در مورد گروگان ها انجام داده اند. در امتداد ماه حوت سال پار، "طالب" ها یک تن امریکایی را که بیش از دو سال قبل در جریان یک سفر گردشگری در افغانستان ربوده شده و در اسارت آنها قرار داشت، رهأ نموده و اعلام گردید که ایالات متحده و "طالب" ها بمتأبۀ بخشی از تلاش ها بمنظور عادی سازی روابط میان کابل و واشنگتن، بردستیابی توافق در مورد تبادلۀ زندانیان مبادرت ورزیدند.

بگزارش خبررسانی ها، "طالب" ها تحویل پایگاه یادشده و یا استقرار و جابجایی نظامیان امریکایی در آنجا را تکذیب نمودند. بر بنیاد اطلاعات بنشر رسیده، بگرام بمتأبۀ یک مرکز اطلاعاتی، نظامی و شناسایی ایده آل برای ایالات متحده، بویژه بمنظور نظارت بر جنوب، مرکز و غرب آسیا پنداشته می شود. همچنان برخی ها هم چنین می پندارند که با استفاده از تأسیسات موجود درین پایگاه، زمینه انجام عملی تمامی عملیات های ضد تروریستی فراهم خواهد گردید و بمتأبۀ مرکزی بمنظور استقرار نظامیان بهدف انجام واکنش های سریع در منطقه مورد استفاده قرار داده شده و شرایط را بمنظور نظارت بر تحولات و تحرکات منطوقی فراهم خواهد نمود. از جانب دیگر، همچنان یادآوری می شوند که اقدام یاد شده مستلزم هزینه چند میلیارد دالری از جانب ایالات متحده بمنظور یک تعهد عظیم نظامی، نیاز های دفاعی و پشتیبانی قابل توجه، تعمیرات، نوسازی و تأمین مجدد و مداوم پایگاه هوایی یادشده محصور در خشکۀ خواهد بود.

پکن در مورد اظهارات ترامپ، بویژه در خصوص تمایل نامبرده برای بازپس گیری نظارت پایگاه یادشده، از اظهار نظری در مورد خودداری بعمل آورده، اما رسانه های انگلیسی زبان چینی و هانگ کانگ، اظهارات رئیس جمهور ایالات متحد را، بویژه از نقطه نظر ژئوپولیتیکی، حساس جلوه داده اند.

بر بنیاد گفتارها و اظهارات کارشناسان چینی، پکن هرگونه حضور نظامی مجدد ایالات متحده در افغانستان را بمتأبۀ عامل بی ثبات کننده امنیت منطوقی و تشدید بالقوه رقابت های ایالات متحده و چین تلقی می نماید. در وضعیت کنونی و شرایط موجود، پکن افغانستان را بمتأبۀ عنصری بالقوه و مهم در طرح جهانی کمربند و جاده خود می پندارد. علاوه بر دهلیزواخان واقع در ولایت بدخشان که اغلب بعنوان "هسته ستراتیژیک" در آسیا از آن نام برده می شود، صحبت هایی نیز در مورد دهلیز آسیای مرکزی و جنوب آسیا که روسیه، قزاقستان و ازبکستان را به پا کستان و هند وصل می نماید و همچنین در مورد دهلیز ترانس - افغانستان که قرار است اتحادیه اروپا، روسیه، ازبکستان، افغانستان، پاکستان، هند و گروهی از کشورهای شرقی آسیا را باهم وصل نماید، نیز جزو بحث هایی در جریان می باشد.

باید پذیرفت که در شرایط و وضعیت کنونی، بعوض ستراتیژی مدون سیاست خارجی ایالات متحده، کشور یادشده از سیستمی از انگیزه ها و تمایلات شخصی ترامپ پیروی می نماید. همچنان یاددهانی بعمل می آید که در امتداد دوره ریاست جمهوری ترامپ، حمایت ایالات متحده از تایوان و کرانین نیز در پائین ترین سطح قرار گرفت، چه، تمامی هم سعی ترامپ در امر زدودن میراث و بازمانده های سیاست خارجی دموکرات ها متمرکز گردید.

همچنان گرینلند در سال ۱۹۴۵ توسط دولت برهبری ترومن به دنمارک بازگردانده شده و کانال پانامه هم در سال ۱۹۷۹ توسط دولت برهبری جیمی کارتر به پانامه تحویل داده شد. همچنان نظامیان امریکایی نیز در دوران حاکمیت دموکرات ها از سرزمین کشور ما به ایالات متحده فراخوانده شدند.

عده ای از کارشناسان نظامی چنین می پندارند که ایالات متحده می تواند در بدل ارائه موارد پولی به "طالب" ها، پایگاه یادشده را مجددن متصرف گردد. در عین حال، بازگشت احتمالی نظامیان امریکایی به پایگاه یادشده، تکرار یورش ایالات متحده به افغانستان تلقی می گردد. چنانچه در امتداد سال ۲۰۲۱، واشنگتن بدرخواست "طالب" ها

مبنی بر فراخواندن نظامیان امریکایی از کشورما لبیک گفت. بنابراین بازگشت به پایگاه یادشده، فقط و فقط می تواند بصورت توافق دوجانبه اتفاق بیافتد. اما بازگشت نظامیان امریکایی بسرزمین و اراضی کشورما، بر بنیاد منافع ژنو پولیتیک استوار خواهد بود. بگرام واقع می تواند به مرکزی بمنظور گردآوری اطلاعات و تأمین نظارت بر اوضاع جنوب، مرکز و غرب آسیا مبدل گردد که بنحوی از انحاء، این بمثابة یک موقعیت ژئوپولیتیک بسیار سودمند پنداشته می شود. دست اندرکاران مسایل و قضایای مربوط بکشور عزیزما چنین می پندارند که ایالات متحده مجبور و ناگزیر با آغاز عملیات مسلحانه در افغانستان نخواهد گردید، چه، بسیاری ها باین باورند که در نتیجه، امریکایی ها چنین جنگی را نخواهند باخت.

بگفته آنها، بازگشت به بگرام به ایالات متحده چنین فرصتی را مهیا نمی نماید تا برنامه های روسیه، چین و هند را برای ایجاد مسیرهای لوژستیک مختل نماید، اما این امکان برای امریکایی ها میسر خواهد گردید تا نبض اوضاع را در دست داشته باشند. در مورد یادشده همچنان یادآوری هایی بعمل می آید که انجام عملیات شناسایی پیش از حد کافست. موقعیت یادشده، جای پای برای ایالات متحده در نظر می گیرد، اما یورش مجدد و تمام عیار به افغانستان بگونه قطع اتفاق نخواهد افتاد.

مفکوره عودت و بازگشت مجدد ایالات متحده بکشورما، بویژه پس از بمباران ایران و درپس زمینه تشکیل و ایجاد اتحاد ستراتیژیک روسیه، چین و هند مطرح گردید. در وضعیت اینچنینی، از روابط مملو از فرازونشیب ایالات متحده با پاکستان دارای سلاح هسته یی و ظهور نظامی چین، بهیچوجه نباید چشم پوشی بعمل آید. همه عوامل و فاکتورهای یادشده، اداره و اشنگتن را ناگزیر به تجدید نظر در اصول سیاست خارجی ایالات متحده نموده است. در وضعیت حاضر، این واقعیت مبرهن گردیده که ایده های اوایل سده ۲۱ مبنی بر اینکه افغانستان بمثابة نقطه ضعف روسیه و منطقه، بویژه بمنظور نفوذ یا مداخله ایالات متحده در آسیای مرکزی پنداشته می شود، مجدداً مطرح گردیده است. بگفته کارشناسان افغان، بازگشت ایالات متحده به بگرام می تواند بمثابة بازگشت احتمالی به کل کشور عزیزما تلقی گردد.

برخی ها چنین می پندارند که ایالات متحده علاقمند وارد نمودن فشار بیشتر بر چین میباشد. چه، قبل از همه، پایگاه یادشده به هدف تضعیف منافع همه بازیگران محلی ایجاد گردیده است. ترامپ جغرافیای منحصربفرد این پایگاه را چنین برشمرد: پایگاه یادشده در فاصله اندکی از محل تولید سلاح های هسته یی چین موقعیت دارد. منظور نامبرده از منطقه خود مختار اویغور سین کیانگ می باشد. ترامپ معتقد است که پس از بازگشت به پایگاه یادشده، سیستمی از پهبادها را در آنجا مستقر نموده و بر فراز اراضی و سرزمین متعلق به چین، عملیات شناسایی و فعالیت های استخباراتی را انجام دهد. اما در واقعیت امر، پایگاه یادشده از هیچگونه ارزش نظامی بمثابة عنصری بمنظور فشار بر چین برخوردار نبوده، لیکن از اهمیت ویژه ژئوستراتیژیک برخوردار می باشد. و در نهایت امر، این مسأله قابل یاددهانی پنداشته می شود که ممکن "طالب"ها در برابر امریکایی ها تسلیم شوند، اما خواستار لغو کامل تحریم های بین المللی علیه خود و رفع انسداد حساب های شان در بانک های غربی خواهند شد.

برخی ها هم چنین می پندارند که اداره و اشنگتن علاقمند اعمال فشار بیشتر بر چین می باشد. چه، قبل از همه پایگاه یادشده عمدتاً به هدف تضعیف مواضع همه بازیگران محلی ایجاد گردیده است. ترامپ جغرافیای منحصربفرد این پایگاه را چنین برشمرد: پایگاه یادشده در فاصله اندکی از محلی که چین سلاح های هستوی تولید می نماید، موقعیت دارد که منظور نامبرده از منطقه خود مختار اویغور سین کیانگ می باشد. وی همچنان معتقد است که با بازگشت به پایگاه بگرام، ایالات متحده می تواند سیستمی از پهبادها را در آنجا مستقر نموده و بر فراز سرزمین و اراضی چین، عملیات شناسایی و فعالیت های استخباراتی را انجام دهد. در واقعیت امر، پایگاه یادشده بویژه بمثابة عنصری برای فشار بر چین، هیچگونه ارزش نظامی نداشته و اما باید پذیرفت که از اهمیت ژئوستراتیژیک برخوردار می باشد، در نهایت امر، این مسأله قابل یاددهانی پنداشته می شود که ممکن "طالب"ها در مورد یادشده در برابر امریکایی ها تسلیم گردند، اما در عوض خواستار لغو کامل تحریم های بین المللی علیه خود و رفع انسداد حساب های شان در بانک های غربی خواهند شد.

در امتداد زمانی روزهای پسین، هم در داخل کشور و هم در سطح بین المللی، خبرهای در مورد کشور عزیزما سروصدا های زیادی براه انداخته است. ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده و تهدید های مبهم نامبرده بمنظور بازگشت به

بگرام، در کانون توجه قرار گرفته است. ترامپ آخرین بایک جمله کوتاه و اما پرمعنا آتش بجان خیرها زده است و آن اینکه اگر افغانستان پایگاه هوایی بگرام را به امریکایی ها تسلیم ننماید، اتفاقات بدی رخ خواهد داد. تهدید یادشده در نوع خود بسیار مبهم و گنگ می باشد، نامبرده هیچ توضیحی نداده کاین اتفاقات بد دقیقن چه خواهد بود. آیا منظور او تحریم اقتصادی است یا مداخله نظامی جدید؟ این ابهام زمینه را برای تحلیل ها و گمانه زنی هایی فراهم نموده است.

اما واکنش "طالب" ها در مورد بشرح زیر ابراز گردیده که قابل فهم است و آن اینکه: "بگرام قابل واگذاری نمی باشد". یک مقام وزارت دفاع "طالب" ها بصراحت اعلام کرده که واگذاری حتا یک وجب از خاک ما به هیچ کشور ی قابل قبول نبوده و این درنوع خود، کاریست غیرممکن. "طالب" ها از ایالات متحده خواسته اند که با واقع گرایی و عقلانیت عمل نموده و به توافقنامه صلح دوحه که در سال ۲۰۲۰ امضا شد، پایبند بماند. همچنان سخنگوی "طالب" ها یادآور شد کاستقلال افغانستان غیرقابل مذاکره بوده و هیچگونه تهدید نظامی یا اقتصادی از جانب ایالات متحده پذیرفتنی نمی باشد. اما بایست گفت که بگرام بمثابه پایگاه نظامی در نزدیکی کابل بمثابه منطقه فوق العاده ستراتیژیک بشمار می رود.

این پایگاه که در حدود ۵۰ کیلومتری کابل موقعیت دارد، در امتداد زمانی حضور نظامیان امریکایی، بزرگترین و با اهمیت ترین پایگاه نظامی آنها در کشور ما بشمار می رفت. پایگاه یادشده دارای باند پرواز بسیار طولی بوده که حتا هواپیماهای بزرگ و بمب افکن نیز می توانند در آن نشست و برخاست نمایند.

ترامپ یادآور شده است که یکی از جمله دلایل علاقمندی نامبرده باین پایگاه، نزدیکی آن با محلات فعالیت های احتمالی چین میباشد. ادعایی که سبب گردیده تا توجه بسیاری از کشورهای منطقه و جهان باین مسأله جلب گردد. آینده ای در ابهام.

اما پرسش عمده در اینجا است که آیا تهدیدهای ترامپ صرفن بمنظور جلب توجه و فشار سیاسیست و یا واقعن برنامه های جدی تری در پشت پرده در حال شکل گیری می باشد؟

در حالی که ترامپ از گفتگو بمنظور بازپس گیری بگرام صحبت می نماید، "طالب" ها، اصل مذاکره در مورد یادشده را بشدت رد نموده اند.

این تناقض نشان می دهد که روابط و مناسبات افغانستان و ایالات متحده در یک بن بست دیپلماتیک قرار داشته و هر دو طرف بر مواضع خویش پافشاری می نمایند. آیا تهدیدهای یادشده از قوه بفعل مبدل خواهد گردید؟ آیا ایالات متحده بدنبال حضور مجدد در اراضی متعلق بکشور عزیز ما می باشد؟

یکشنبه ۶ ماه میزان سال ۱۴۰۴ خورشیدی، برابر با ۲۸ ماه سپتامبر سال ۲۰۲۵ ترسای